

رابطه شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان

شهر روز ابراهیمی *

داود نجفی **

رضا محموداوغلی ***

زهرا صادقی نقدعلی ****

چکیده

توسعه سیاسی، به مفهوم گسترش و تعمیق مشارکت آحاد مردم در سرنوشت واحدهای سیاسی، با وجود تنوع و تکثر شیوه‌های اجرایی آن، از اهداف مشترک تمامی دیدگاه‌های توسعه‌ای است. انتخابات به عنوان بارزترین شیوه و تجلی این مشارکت، همواره مورد اهتمام نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و سیاسی و نیز به طریق اولی سیاست‌ورزان بوده است. از جمله پرسش‌های مهم برای هر دو گروه یادشده، تبیین رفتار انتخاباتی مردم و گروه‌های اجتماعی است. در جمهوری اسلامی ایران نیز مطالعه رفتار انتخاباتی، به‌ویژه در دهه اخیر، به‌طور جدی در دستور کار پژوهشگران حوزه‌های مربوطه قرار داشته است. پرسش اصلی مقاله این است که رفتار انتخاباتی دانشجویان، به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی توسعه سیاسی، بر اساس چه معیارها و ملاک‌هایی صورت می‌گیرد و ایفای نقش شبکه‌های اجتماعی در تعیین و جهت‌دهی به این ملاک‌ها چگونه است؟ هدف از نگارش این مقاله، بررسی رابطه میان شبکه‌های اجتماعی و رفتار انتخاباتی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان می‌باشد. با تقسیم شبکه‌های اجتماعی به سه بعد شبکه‌های عمودی، افقی و کیفیات شبکه‌های اجتماعی، به همراه در نظر گرفتن چهار وجه از مشارکت سیاسی یعنی ابعاد ذهنی، رسمی، غیر رسمی و عینی مشاهده می‌شود که شبکه‌های افقی بیشترین تأثیر و کیفیات شبکه‌های اجتماعی کمترین تأثیر را بر روی مشارکت سیاسی دانشجویان داشته‌اند.

واژگان کلیدی

مشارکت سیاسی، شبکه‌های عمودی، افقی و کیفیات شبکه‌های اجتماعی، دانشجویان

Email: ebrahimi_shahrooz@yahoo.com

Email: najafiduraki@yahoo.com

Email: r_oghli@yahoo.com

Email: z.sadeghei@gmail.com

* استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

** دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

*** دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

**** دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۲۸

تاریخ ارسال: ۹۱/۰۴/۲۳

فصلنامه راهبرد / سال بیست و دوم / شماره ۶۶ / بهار ۱۳۹۲ / صص ۲۸۴-۲۶۳

مقدمه

امروزه مشارکت سیاسی به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه سیاسی ملت‌ها به امری گریزناپذیر تبدیل شده است. این امر در کشورهای جهان سوم به شکلی حساس‌تر خود را نشان می‌دهد. دولت‌ها نیز ناچارند برای کسب مشروعیت به مشارکت سیاسی تن دهند. از طرف دیگر میزان بالای مشارکت سیاسی مردم در زمینه تصمیمات و خط‌مشی‌های سیاسی بر فرهنگ توسعه‌یافته و توسعه‌یافتگی فرهنگ سیاسی آن جامعه دلالت دارد. از منظر دینی، مشارکت سیاسی فعال و حساسیت نسبت به سرنوشت خود و جامعه، نه تنها یک حق، بلکه یک تکلیف حتمی و ضروری و ارزشی مطلوب برای دانشجویان و عموم جامعه است. از این رو بررسی نقش، جایگاه و کارکردهای دانشجویان در نظام سیاسی و ضرورت بهره‌مندی جامعه از توانمندی‌های دانشجویان در اداره امور می‌تواند یکی از شرایط اجتناب‌ناپذیر توسعه سیاسی و اجتماعی باشد.

سیاسی بودن دانشجو در حدی که در برابر سرنوشت خود و جامعه حساس باشد و نسبت به مسائل داخلی و خارجی و جریان‌های موجود دارای بینش و تحلیل

سیاسی باشد، از جمله ضرورت‌های حیات سیاسی دانشجویان و لازمه توسعه سیاسی است. همچنین تبیین کارکردهای دانشگاه به عنوان یکی از بخش‌های ساختار فرهنگی کشور و نقشی که دانشجو در این زمینه به عهده دارد، به خوبی مبین ضرورت مشارکت سیاسی دانشجویان است. از این رو پرداختن به مقوله مشارکت سیاسی از منظر دانشجویان می‌تواند روشنگر یکی از ابعاد توسعه‌یافتگی باشد.

در این راستا عوامل مختلفی می‌تواند بر روی مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر گذارد. در تحقیقات مختلفی که در این زمینه صورت گرفته، عواملی مانند ویژگی‌های شخصیتی، ماهیت حکومت حاکم، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، سرمایه اجتماعی و غیره به عنوان عوامل تأثیرگذار بر روی مشارکت سیاسی مطرح شده است. پژوهش حاضر ضمن پذیرش عوامل مختلف دیگر در ایجاد، تقویت و یا تضعیف مشارکت سیاسی، سعی دارد تأثیر شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی را مورد بررسی قرار دهد. شبکه‌های اجتماعی نمای حال جامعه، فرهنگ، سیاست، اقتصاد و علم هستند. با بررسی دقیق روابط افراد و سایر موجودیت‌های

۱. ادبیات تحقیق

اجتماعی در شبکه، ویژگی‌های جامعه مورد نظر را خواهیم شناخت. گرچه تحقیقات مربوط به مشارکت سیاسی، مدت زمان کوتاهی است که به بحث شبکه‌های اجتماعی متمایل شده‌اند، اما در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای اروپایی و امریکایی، تحقیقاتی به‌صورت پیمایش‌هایی در سطح ملی یا جزئی‌تر در این زمینه انجام شده است. در کشور ما با وجود اهمیت بالای مسئله، تحقیقاتی که در حوزه مشارکت سیاسی صورت گرفته، کمتر به بررسی روابط اجتماعی در شبکه‌ها که یکی از عناصر اصلی در حوزه جامعه‌شناسی است، پرداخته‌اند. نیاز به واکاوی دقیق جامعه‌شناختی این حوزه ما را بر آن داشت تا به بررسی این موضوع بپردازیم. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش، مطالعه مشارکت سیاسی با تأکید بر رویکرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی است و اهداف اخیر پژوهش عبارت‌اند از:

۱. بررسی و سنجش میزان شبکه‌های اجتماعی در میان دانشجویان؛
۲. بررسی و سنجش میزان مشارکت سیاسی در میان دانشجویان؛
۳. بررسی رابطه بین ابعاد شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان؛

یک سنت غنی در پژوهش‌های علوم اجتماعی وجود دارد که به ترسیم عملکرد افراد و گروه‌ها به شبکه‌ای از روابط اجتماعی می‌پردازد (Coleman, 1990). در حالی که برخی از ادبیات‌های پژوهشی بر چگونگی استفاده افراد از منابع موجود در شبکه‌های اجتماعی برای دستیابی به اهداف شخصی تمرکز می‌کند، ادبیات پژوهشی دیگر بر استفاده از شبکه‌ها به منظور تلاش‌های جمعی، از جمله مشارکت در گروه‌های مدنی و سیاسی، تمرکز می‌کنند. هر دو سنت پژوهشی با جنبه‌های مختلف سرمایه اجتماعی سرو کار دارند که لین این امر را "منابع جاسازی شده در شبکه‌های اجتماعی" تعریف می‌کند؛ منابعی که از طریق روابط و پیوندها در شبکه‌های اجتماعی قابل دسترسی است (Lin, 2008, p.51).

لایتلی^۱ (۱۹۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «تعامل اجتماعی و تأثیرات مبتنی بر مشارکت سیاسی» به بررسی این فرض می‌پردازد که پیوندهای اجتماعی احتمال مشارکت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. او در مقاله خود در پی پاسخگویی به دو سؤال

در مورد تأثیر پیوندهای اجتماعی بر مشارکت است. اول اینکه آیا ویژگی‌های شبکه‌های روابط افراد (اندازه یا گستردگی، سیاسی بودن و تجانس یا همگن بودن) احتمال مشارکت آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ دوم اینکه آیا تعامل اجتماعی فقط بر آن نوع مشارکتی تأثیر می‌گذارد که اساس اجتماعی دارد یا بر انواع دیگر مشارکت نیز تأثیرگذار است؟ او به این نتیجه می‌رسد که تعامل اجتماعی بر هر دو سطح مشارکت فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد، هر چند همیشه این مشارکت در جهت مورد انتظار نیست.

لیک و هاگفلد^۲ (۱۹۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی» به این نتیجه می‌رسند که سرمایه اجتماعی سیاسی (سرمایه اجتماعی که تعاملات سیاسی را تسهیل می‌کند) در شبکه‌های بیناشخصی تولید می‌شود، و این افزایش سطح سرمایه اجتماعی سیاسی احتمال مشارکت شهروندان در فعالیتهای سیاسی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، آنها تأکید می‌کنند که تولید سرمایه اجتماعی سیاسی تابعی از تخصص‌های سیاسی در درون شبکه روابط

فردی، تداوم تعاملات سیاسی در داخل شبکه و اندازه یا گستردگی شبکه می‌باشد.

مک لرگ^۳ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی: نقش تعامل اجتماعی در تبیین مشارکت سیاسی» به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه تعامل در شبکه‌های اجتماعی قوی، گرایش مشارکت به سیاست را تحت تأثیر قرار می‌دهد. او استدلال می‌کند که تعاملات اجتماعی فرصت‌هایی برای افراد جهت جمع‌آوری اطلاعات در مورد سیاست ایجاد می‌کند که به آنها اجازه می‌دهد فراتر از محدودیت منابع شخصی زندگی کنند. در نتیجه، این امر حمایت بسیاری از مردم از فعالیت‌های سیاسی را به دنبال دارد. او با استفاده از داده‌های جمع‌شده از انتخابات، شواهدی ارائه می‌کند که نشان می‌دهد تأثیر تعامل اجتماعی بر مشارکت تا حد زیادی به بحث‌های سیاسی که در شبکه‌های اجتماعی رخ می‌دهد، وابستگی دارد.

مکنزی^۴ (۲۰۰۴) در مقاله خود با عنوان «شبکه‌های اجتماعی مذهبی، بسیج غیر مستقیم و مشارکت سیاسی امریکایی‌های افریقایی تبار»، به بررسی اثرات بحث‌ها و گفتگوهای سیاسی غیر رسمی در میان

3. Scott D. Mcclurg
4. Brian D. Mackenzie

2. Lake and Huckfeldt

سیاسی پرداخته‌اند. آنها در پژوهش خود این مسئله را بررسی کرده‌اند که آیا شبکه‌های اجتماعی می‌توانند راه را برای احیای مشارکت سیاسی هموار کنند. نتیجه‌گیری آنها این بود که شواهدی وجود دارد که شبکه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی ارتباط زیادی دارد.

کوینتر^۶ و همکارانش (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «سیاست در گروه همسالان: بررسی رابطه بین تنوع شبکه و مشارکت سیاسی»، به بررسی چگونگی تأثیر تنوع قومی - فرهنگی و سیاسی در شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی در میان ۴۲۳۵ نفر از افراد جوان بلژیک پرداخته‌اند. آنها در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که در اختیار داشتن شبکه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی، مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهد و این امر به نوبه خود باعث تماس‌های سیاسی گوناگون با دیگران می‌شود.

در ایران نیز درباره تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی، تحقیقاتی هرچند اندک انجام شده است که در ادامه به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم. موحد و دیگران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و

امریکایی‌های افریقایی‌تبار که در کلیسا حاضر می‌شوند، می‌پردازد. او در مطالعه خود به‌ویژه بر تشویق غیر مستقیم به فعالیت‌های سیاسی از طریق شبکه‌های اجتماعی تمرکز می‌کند. مکنزی با استفاده از داده‌های ملی سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۴ به آزمون مدل‌های اثرات این مباحث اجتماعی بر افراد دارای حق رأی و افراد فاقد حق رأی می‌پردازد. یافته‌های مکنزی نشان می‌دهد که تأثیر روابط اجتماعی موجود در کلیساها به مراتب مؤثرتر از پیام‌های روحانیون برای دعوت به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی است. نتایج تحقیق مکنزی نشان می‌دهد که حضور مکرر در کلیسا و تماس منظم با دوستان و همکارانی که در محله‌های مذهبی زندگی می‌کنند، به عنوان مکانیسم‌های مهم برای نظارت و تقویت هنجارهای مدنی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در حالی که پیام‌های روحانیون به دلیل ارتباط منفصل آنها با حاضرین همیشگی در کلیسا، دارای تأثیرگذاری کمتری است.

اسکوریک^۵ و همکارانش (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در سنگاپور»، به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت

6. Ellen Quintelier

5. Marko M. Skoric

مشارکت سیاسی زنان»، با استفاده از نظریه تضاد فرهنگی پیر بوردیو به عنوان چارچوب نظری، به مطالعه بر روی ۳۹۸ نفر از زنان بالای ۱۸ سال ساکن در شهر شیراز پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها حاکی از آن است که همبستگی‌های معناداری میان ابعاد سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان وجود دارد.

باستانی و دیگران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی»، تأثیر سرمایه اجتماعی شبکه و متغیرهای زمینه‌ای بر اعتماد را مورد آزمون قرار داده‌اند. نتایج تحقیق آنها حاکی از آن است که با افزایش سرمایه اجتماعی شبکه، اعتماد متقابل بین شخصی نیز افزایش می‌یابد. به بیان دیگر روابط و تعاملات و منابع حمایتی موجود در شبکه می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد و تقویت اعتماد بین افراد باشد. از بین ویژگی‌های شبکه، صمیمیت و حمایت متقابل دو عامل اصلی تبیین‌کننده هستند که صمیمیت نقش مهم‌تری دارد، اما از بین متغیرهای فردی و متغیرهای شبکه‌ای، نقش متغیرهای شبکه‌ای به‌ویژه صمیمیت پیوند و حمایت متقابل در تبیین اعتماد بیشتر است. به بیان دیگر ویژگی‌های شبکه

بیش از ویژگی‌های فردی افراد در اعتمادشان به یکدیگر تأثیر دارد.

باستانی و دیگران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «شبکه‌های اجتماعی و رفتار رأی‌دهی جوانان در شهر مشهد»، به مطالعه عوامل مؤثر بر رفتار رأی‌دهی جوانان ۱۸-۲۹ سال شهر مشهد با تأکید بر رویکرد تحلیل شبکه‌های فردی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان‌دهنده این نکته است که ویژگی کارکردی شبکه بر رفتار رأی‌دهی پاسخگویان تأثیرگذار است. در نهایت نتایج حاصل از این پژوهش بر نقش شبکه‌های فردی در تشریح و تبیین رفتار رأی‌دهی به طور مستقیم صحه می‌گذارد.

نیری (۱۳۸۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با نام شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و مشارکت سیاسی، تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر مشارکت سیاسی کاربران در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری در ایران را مورد بررسی قرار داده است. او در این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که شرکت تعداد زیادی از افراد به‌ویژه جوانان و نوجوانان در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری تا حد زیادی متأثر از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی مانند فیس‌بوک و توییتر بوده است.

۲- رابطه بین شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی

وجود شبکه‌های مشارکت به عنوان حوزه‌های تولیدکننده مشارکت سیاسی بعدی است که توجه زیادی را در ادبیات توسعه سیاسی به این حوزه معطوف کرده است. شیوه تعاملات اعضای شبکه‌های اجتماعی بر مبنای ارتباطات زبانی صورت می‌گیرد. وجود شبکه‌های مشارکت اجتماعی در هر جامعه‌ای بیانگر میزان مشارکت سیاسی آن نیز می‌تواند باشد. در مورد ارتباط بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی استدلال‌هایی ارائه شده است. برای نمونه، الکسی دو توکویل برای به رسمیت شناختن نقش منحصربه‌فردی که پیوندهای اجتماعی در تسهیل مردم‌سالاری دارند، اعلام می‌کند:

«شهروند ایالات متحده از مراحل ابتدایی زندگی بر تلاش‌های خود، به منظور مقاومت در برابر مشکلات زندگی، تکیه می‌کند: او بر قدرت اجتماعی با چشم بی‌اعتمادی و اضطراب می‌نگرد. این عادت ممکن است حتی در مدارس، جایی که در آن کودکان در بازی‌های خود به تسلیم شدن در برابر قوانینی که خودشان تأسیس کرده‌اند، وجود داشته باشد. این روح بر هر عمل زندگی اجتماعی سایه افکنده است. اگر

در یک چهارراه و محل گردش وسایل نقلیه، مانعی باعث ایجاد ترافیک شود، خود افراد محل بلافاصله یک مجمع مشورتی تشکیل داده و این مجمع فی‌البداهه یک قوه اجرایی تشکیل می‌دهد که مشکلات موجود را تا حد ممکن حل نماید. بنابراین انجمن‌ها در ایالات متحده به منظور ارتقای امنیت عمومی، تجارت، صنعت، اخلاق و مذهب تأسیس شده‌اند» (De Toqueville, 1969, p.39).

لایت لی استدلال می‌کند که شبکه‌های اجتماعی، فرآیند بسیج توده‌ها توسط نخبگان سیاسی را تسهیل می‌کنند (Leighley, 1996) و وریا معتقد است که شبکه‌های اجتماعی مهارت‌هایی را به افراد جهت مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌آموزند (Verba, 1995). آلموند و وریا نیز معتقدند شبکه‌های اجتماعی (عضویت در سازمان‌های داوطلبانه) مشارکت سیاسی را تسهیل می‌کند. به نظر وریا و همکاران او، انجمن‌های داوطلبانه افراد را وادار می‌سازد که به تلاش آشکاری برای درگیر کردن افراد در سیاست دست زنند. آنها به چندین عامل در این زمینه اشاره می‌کنند. اول اینکه یک بازیگر باید وابسته به یک انجمن اجتماعی داوطلبانه و یا عضوی از آن شود. دوم، به نوع ارتباط با افرادی که متعلق به آن انجمن

هستند، توجه کند. سوم اینکه به تنوع در مؤسسات توجه داشته باشد. به عبارت دیگر، به فرصت‌هایی که برای به دست آوردن منابع مرتبط سیاسی در داخل انجمن‌های داوطلبانه وجود دارد، توجه کند. بنابراین، یک مقام ارشد یا یکی از اعضای هیئت مدیره که با عملیات روزانه انجمن در ارتباط است، بیشتر احتمال دارد که مهارت‌های سیاسی خود را نسبت به کسی که تنها به کمک یک حق عضویت سالانه عضو است، توسعه دهد (Verba, 1993, p.472).

شرکت در انجمن‌های داوطلبانه اجتماعی، قرار گرفتن در معرض محرک‌های سیاسی را نیز فراهم می‌کند (Verba, 1993, pp.453-497). افراد از طریق مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه، شبکه‌های اجتماعی را که زمینه‌ای برای بحث درباره سیاست و یا برای جذب در فعالیت‌های سیاسی است، توسعه می‌دهند. رهبری و یا پرسنل انجمن‌های داوطلبانه نیز ممکن است درخواست‌های صریح برای اعضا برای تبدیل شدن به بسیج سیاسی را ایجاد کنند.

به نظر می‌رسد به هر میزان شبکه‌های مشارکت در جامعه‌ای گسترده‌تر باشد، مشارکت سیاسی بیشتری در آن جامعه صورت می‌گیرد. بر اساس همین رویکرد، نظر

چارلز هورتن کولی، جرج هربرت مید، جین لایگلی و نیز میلبراث این است که کنش افراد در زندگی سیاسی روزمره تحت تأثیر گروه‌هایی است که به آن تعلق دارند؛ از این رو افراد به دلیل افکار خود به فعالیت سیاسی نمی‌پردازند، بلکه معیارهای دوستان و خانواده است که رفتار سیاسی آنان را هدایت می‌کند. بر اساس این دیدگاه افراد آن‌گونه می‌اندیشند که از نظر اجتماعی در آن قرار دارند (Mcclurg, 2003, p.7).

رابرت پاتنام نیز از جمله مهم‌ترین اندیشمندانی است که به بررسی رابطه بین شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی پرداخته است. از نظر پاتنام ایده اصلی سرمایه اجتماعی عبارت است از «شبکه‌ها و هنجارهای مرتبط با عمل متقابل». او نیز چون کلمن بر سودمندی و کارکرد مثبت پیوندهای اجتماعی برای افراد تأکید دارد. او نگران کاهش میزان روابط اجتماعی و پیامدهای ناشی از آن است. پاتنام به مسئله نازل پیوندهای اجتماعی در امریکا می‌پردازد. شاخص‌هایی مانند "کاهش مشارکت در انتخابات" و "کاهش عضویت در انجمن‌های داوطلبانه" از نظر او بیانگر کاهش روابط اجتماعی در آن کشور است؛ اتفاقی که برای حفظ و تداوم دموکراسی امریکایی چون

بلایی از آسمان تلقی می‌شود. پاتنام پیوند میان شبکه‌های اجتماعی و تولید کالاهای عمومی را ساده تلقی نمی‌کند. او بر این نظر است که " بدون شک تعهد مدنی و همبستگی اجتماعی نتایجی را مانند آموزش‌های بهتر، توسعه سیاسی سریع‌تر و غیره در پی دارند" (Putnam, 2000).

از نظر پوتنام در جامعه شبکه‌ای افرادی که مشارکت اجتماعی و سیاسی نداشته باشند، به حاشیه رانده می‌شوند. نهادها و سازمان‌های مدنی و اجتماعی در جامعه شبکه‌ای قدرت اصلی و واقعی را در دست دارند؛ زیرا شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی حتی در جوامع با قدرت مطلقه، مشروعیت و قدرت دولت را زیر سؤال خواهند برد و کنش کنشگران فردی را با اهمیت خواهد ساخت. از آنجا که فرایند هویت‌سازی نیز با دسترسی افراد به شبکه‌های روابط و شبکه اجتماعی ربط مستقیمی دارد، مشارکت سیاسی است که توان این شبکه‌ها را بالا برده و شبکه‌های اجتماعی نیز به نوبه خود مشارکت سیاسی و توانمندسازی را تسهیل خواهد کرد.

بنابراین ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی، معطوف به کنش است. شبکه اجتماعی در واقع توانایی گسترش کنش است، آن را غنی می‌سازد، منبع کنش اجتماعی است و نیز

محمل و حاصل آن است. شبکه اجتماعی از درون رابطه متقابل اجتماعی به وجود آمده و بی‌حضور دیگران امکان وجود ندارد. شبکه اجتماعی در واقع جزیی از ساختار رابطه است. بهبود عملکرد شبکه اجتماعی در یک رابطه، باعث پدید آمدن حسن نیت و اعتماد متقابل شده و همگرایی ذهنی و انسجام را تقویت می‌کند. بنابراین رشد شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌هایی را برای کنشگران پدید می‌آورد که توانمندی فردی آنها را ارتقا بخشیده و احتمال موفقیت آنها را افزایش می‌دهد. در واقع، ضعف شبکه‌های اجتماعی هزینه‌ای بر کنش‌ها تحمیل می‌کند که مانع آن شده یا کنش‌های موجود را با مشکل روبه‌رو می‌کند (تشرکر و معینی، ۱۳۸۰، ص ۳۱).

مک لرگ به منظور تبیین رابطه بین شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی، مدلی از شبکه‌های اجتماعی مشارکت را ارائه می‌دهد و معتقد است که متغیر تعاملات اجتماعی، افراد را در معرض تأمین اطلاعات اجتماعی قرار می‌دهد تا آنها به درک درستی از سیاست نایل آیند (Macclurg, 2003, p.5). وی استدلال می‌کند از آنجایی که درک فردی، اطلاعات، منابع و توانایی افراد ذاتاً محدود است، تعامل اجتماعی فرصت‌های

بدیلی جهت دستیابی افراد به منابع اجتماعی دیگر فراهم می‌کند که این امر کاهش موانع مشارکت سیاسی را به دنبال دارد. در نتیجه منابع مکمل اجتماعی موجب افزایش منابع و توانایی‌های افراد می‌شود که آن هم به نوبه خود احتمال مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهد (Macclurg, 2003, p.6).

مدل مک لرگ به جای تأکید بر اشکال تعامل اجتماعی، تأکید روشنی بر مفهوم تعامل اجتماعی دارد. چنین رویکردی دارای سه مزیت برای درک مشارکت است. اول اینکه به اندازه کافی انعطاف‌پذیر است، چرا که این امکان را می‌دهد که بسیاری از اشکال مختلف تعامل اجتماعی که بر روی رفتار تأثیرگذارند (از ازدواج گرفته تا دوستی و عضویت در سازمان‌های رسمی) بدون از دست دادن قدرت تبیینی آن، مورد بررسی قرار گیرند. دوم اینکه به طور مستقیم در تضاد با یافته‌های قبلی در تبیین رابطه بین گروه‌های اجتماعی رسمی و مشارکت قرار نمی‌گیرد. این دو ویژگی حاکی از آن است که راه‌های مختلفی وجود دارد که عوامل جامعه‌شناختی می‌توانند مشارکت سیاسی را تحت تأثیر قرار دهند. سوم اینکه این مدل باعث توسعه فرضیه‌های معنی‌دار در مورد ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی و

مشارکت (سیاسی و اجتماعی) می‌شود؛ چرا که تمام تعاملات اجتماعی بر میزان مشارکت تأثیرگذار نیست.

۳- چارچوب نظری

با بررسی مجموعه نظریات و تحقیقات مرور شده به نظر می‌رسد نظریه شبکه اجتماعی پوتنام می‌تواند رابطه شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی را به خوبی تبیین کند. پوتنام در آثار خود سرمایه اجتماعی را با سه مؤلفه به عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌کند که مؤلفه اول شبکه‌ها هستند. از دیدگاه پاتنام شبکه‌های رسمی و غیر رسمی ارتباطات و مبادلات در هر جامعه‌ای اعم از مدرن و سنتی، فئودالی یا سرمایه‌داری و غیره وجود دارند. از نظر پاتنام شبکه‌های اجتماعی یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی هستند. هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند. وی شبکه‌های اجتماعی را به دو قسمت تقسیم می‌کند: ۱- شبکه‌های افقی «مساوات‌طلب» در قالب مشارکت‌های مدنی (انجمن‌ها، باشگاه‌ها و ...) که خاستگاه دو مؤلفه دیگر است. ۲- شبکه‌های عمودی یا «انحصارطلب» که فاقد توان برقراری

۴- تعریف عملیاتی مفاهیم

۴-۱. مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی هرگونه رفتار و عمل فردی است که هدف آن تحت تأثیر قرار دادن سیاستگذاری‌های عمومی یا انتخاب رهبران سیاسی و یا اعمال نظر رهبران بر مردم و یا به طور خلاصه حوزه تصمیم‌گیری و تقاضا در بین مردم و دولت است. مشارکت سیاسی دارای دو بعد ذهنی و عینی می‌باشد. بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت سیاسی است که در نتیجه اعتماد و سایر عوامل زمینه‌ساز در افراد ایجاد می‌شود. اما بعد عینی و رفتاری مشارکت سیاسی به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند (توسلی، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

در این پژوهش، مشارکت سیاسی بر اساس پژوهش امام جمعه زاده و همکاران او (۱۳۹۰)، پترسون (۲۰۰۵) و مدل وثوقی و هاشمی (۱۳۸۳) به دو بعد نگرش نسبت به مشارکت سیاسی و شیوه‌های مشارکت سیاسی (مشارکت عینی) تقسیم شده است که عبارت‌اند از:

۱. نگرش به مشارکت سیاسی (عوامل روانشناختی-نگرشی): به نوع پنداشت فرد از شرکت در فعالیت‌های سیاسی گفته می‌شود که پیش از هر اقدامی به او کمک می‌کند تا

اعتماد و هنجارهای همیاری هستند (پوتنام، ۱۳۸۰، ص ۳۱۳). در این میان شبکه‌های افقی انبوه تقویت همکاری درون‌گروهی را سبب می‌شوند. آنها با دور زدن شکاف‌های طبقاتی، همکاری گسترده‌تری را پدید می‌آورند. او شبکه عمودی یا سلسله‌مراتبی را فاقد توان برقراری اعتماد و همکاری اجتماعی می‌داند. زیرا جریان اطلاعات در شبکه عمودی نسبت به شبکه افقی، شفاف و مؤثر نیست. همچنین هنجارهای معامله متقابل و مجازات‌های مربوط به تخلف از آن که مانع فرصت‌طلبی می‌شوند، در شبکه‌های عمودی برای مقامات عالی‌رتبه کمتر وضع شده و کمتر اجرا می‌شوند (Putnam, 1995, p.7).

۳-۱. فرضیه‌های تحقیق

- بین فعالیت فرد در شبکه‌های افقی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- بین فعالیت فرد در شبکه‌های عمودی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- بین کیفیات شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- بین فعالیت فرد در شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

وضعیت‌های سیاسی واقعی یا بالقوه را بررسی کند. نگرش فرد در ارتباط نزدیک با تجربه، شخصیت و ارزش‌های پذیرفته شده از سوی او قرار دارد (راش، ۱۳۷۷، ص ۱۲۳). متغیرهای علاقه به سیاست و پیگیری اخبار سیاسی از طریق رسانه‌ها، حس اثربخشی سیاسی و اعتماد به دولت را می‌توان به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های احتمالی مشارکت سیاسی در نظر گرفت.

۲. شیوه مشارکت سیاسی (مشارکت سیاسی عینی): جنبه دیگر مشارکت، مشارکت سیاسی عینی است، یعنی درگیر شدن در فعالیت‌هایی که بنا به تعریف مشارکت سیاسی محسوب می‌شوند. بدین منظور پژوهشگر از دو نوع مشارکت سیاسی رسمی و غیر رسمی برای سنجش مشارکت دانشجویان بهره برد:

الف) مشارکت رسمی: هرگونه عمل داوطلبانه‌ای است که اعضای جامعه به منظور حمایت از نظام سیاسی و تأثیرگذاری بر آن در چارچوب‌های مشخص و تعیین شده که به طور رسمی و برنامه‌ریزی شده توسط سازمان‌ها و نهادهای رسمی کشور صورت می‌گیرد، انجام می‌دهند (وثوقی و هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۴). در این زمینه شرکت در انتخابات مختلف، مشارکت در تظاهرات و

راهپیمایی‌های سیاسی را می‌توان از موارد مشارکت سیاسی رسمی نام برد.

ب) مشارکت غیر رسمی: هرگونه عمل داوطلبانه‌ای است که اعضای جامعه به منظور حمایت یا تأثیرگذاری بر نظام و جریان‌های سیاسی و در خارج از چارچوب‌های تعیین شده و رسمی توسط سازمان‌ها و نهادهای رسمی کشور انجام می‌دهند. این نحوه مشارکت شامل هرگونه فعالیت سیاسی می‌شود که در کنش متقابل بین افراد و در رابطه آنها با حکومت انجام می‌شود و ساخت و شکل از پیش تعیین شده و برنامه‌ریزی شده ندارد (وثوقی و هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۵). در این زمینه می‌توان اقداماتی از قبیل حضور در تظاهرات، نوشتن نامه‌ها، رأی‌گیری از افراد، امضای طومار مشارکت اینترنتی و فعالیت‌هایی از این قبیل را نام برد.

۲-۴. شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌هایی هستند که ارتباطات را تسهیل می‌کنند و جریان اطلاعات را در مورد قابل قبول بودن افراد بهبود می‌بخشند. کنش‌های افقی قوی در شبکه‌های مشارکت مدنی مانند انجمن‌های همسایگی، کانون‌های سرودخوانی، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی و احزاب توده‌ای، روی می‌دهند. از نظر پاتنام شبکه‌های مشارکت مدنی یکی از اشکال

۵- روش پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این بررسی، روش پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه دانشجویان دانشگاه اصفهان از تمامی رشته‌ها در مقطع کارشناسی در سال تحصیلی در سال ۹۲-۱۳۹۱ بوده است. حجم نمونه ۱۶۷ نفر بود که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین شیوه که ۱۸۰ نفر به عنوان نمونه اولیه انتخاب شدند و بعد از حذف پرسشنامه‌های مخدوش ۱۶۷ پرسشنامه باقی ماند. هر دانشکده به عنوان یک خوشه و در دانشکده، هر کلاس به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد. میانگین و انحراف استاندارد سن برای دختران به ترتیب ۲۰/۱۰ و ۸/۳۶ و برای پسران ۲۱/۱۱ و ۶/۱۷ به دست آمد. میانگین و انحراف استاندارد درآمد برای کل نمونه به ترتیب ۳۸۵۲۶۷/۱۲ و ۲۱۵۵۰۷/۷۲ به دست آمد. ابزارهای سنجش شامل ۲ پرسشنامه بود که عبارت‌اند از:

پرسشنامه مشارکت سیاسی: برای سنجش مشارکت سیاسی از پرسشنامه از نوع سنجش لیکرت استفاده شد. این پرسشنامه با بهره‌گیری از مقیاس لیکرت توسط محقق ساخته شد که دارای ۴۲ سؤال است. این پرسشنامه با استفاده از مدل مشارکت

ضروری سرمایه اجتماعی هستند. هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند. شبکه‌های افقی انبوه تقویت همکاری درون‌گروهی را سبب می‌شوند. آنها با دور زدن شکاف‌های طبقاتی، همکاری گسترده‌تری را پدید می‌آورند. پاتنام شبکه عمودی یا سلسله‌مراتبی را فاقد توان برقراری اعتماد و همکاری اجتماعی می‌داند، زیرا جریان اطلاعات در شبکه عمودی نسبت به شبکه افقی، شفاف و مؤثر نیست. همچنین هنجارهای معامله متقابل و مجازات‌های مربوط به تخلف از آن که مانع فرصت‌طلبی می‌شوند، در شبکه‌های عمودی برای مقامات عالی‌رتبه کمتر وضع شده و کمتر اجرا می‌شوند (Putnam, 1995, p.64). شبکه‌های اجتماعی در این پژوهش از طریق متغیرهایی همچون مشارکت در سطح محله، مشارکت در امور مذهبی، مشارکت سازماندهی شده، مشارکت در تفریح دسته‌جمعی، سنت‌های مدنی، عضویت در گروه‌های فرهنگی و الگوهای جدید مشارکت مورد سنجش قرار گرفته است.

سیاسی پترسون (۲۰۰۵) برای سنجش مشارکت سیاسی در امریکای لاتین و مدل وثوقی و هاشمی (۱۳۸۳) ساخته شد. برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق ابتدا پرسش‌های متعددی به وسیله چند نفر متشکل از استادان علوم سیاسی طرح، و پس از بحث و بررسی تعداد ۲۴ سؤال انتخاب گردید و بعد از ویرایش لازم و به منظور اطمینان بیشتر روی یک گروه ۴۰ نفری (۲۰ نفر پسر و ۲۰ دختر) به صورت آزمایشی اجرا شد. در این پژوهش، ضرایب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۲ درصد بوده است. مطالعات درباره اعتبار آزمون براساس نمونه مشابه و محاسبه ضریب همسانی درونی نشان می‌دهد این پرسشنامه از روایی و پایایی بالایی سود می‌برد. این پرسشنامه به دو سطح نگرش نسبت به مشارکت سیاسی (عوامل روان‌شناختی - نگرشی) و شیوه مشارکت سیاسی (رسمی یا غیررسمی) تقسیم گردید. این مقیاس ابزاری برای سنجش میزان مشارکت سیاسی افراد است که نمره‌گذاری هر سؤال بر روی یک پیوستار از صفر (کاملاً موافقم) تا ۴ (کاملاً مخالفم) می‌باشد.

پرسشنامه شبکه اجتماعی: این پرسشنامه شامل سؤالاتی در مورد ابعاد

شبکه‌های اجتماعی افقی، شبکه‌های اجتماعی عمودی و کیفیات شبکه‌های اجتماعی است. این ابعاد بر اساس نظریه‌های موجود در مورد سرمایه اجتماعی (شاخص‌های پاتنام) و مدل وحید قاسمی (۱۳۸۵) استخراج شده و برای شاخص‌ها سؤالاتی طرح شد. برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق ابتدا پرسش‌های متعددی به وسیله ۳ نفر متشکل از استادان علوم سیاسی و اجتماعی (بامرتبه علمی حداقل استادیار) طرح، و پس از بحث و بررسی تعداد ۲۷ سؤال انتخاب گردید و بعد از ویرایش لازم و به منظور اطمینان بیشتر روی یک گروه ۴۰ نفری (۲۰ نفر دانشجوی پسر و ۲۰ دانشجوی دختر) به صورت آزمایشی اجرا شد. ضرایب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برای ابعاد شبکه‌های افقی (۹ سؤال)، شبکه‌های عمودی (۹ سؤال) و کیفیات شبکه‌های اجتماعی (۹ سؤال) به ترتیب برابر ۰/۷۲، ۰/۶۹ و ۰/۷۳، و برای کل پرسشنامه (۲۷ سؤال) ۰/۷۱ به دست آمد. گویه‌های شبکه اجتماعی به صورت زیر بوده است. گویه‌های استفاده‌شده برای شبکه افقی شامل مشارکت در امور امور مذهبی (شرکت در دسته‌های عزاداری و مراسم مذهبی، شرکت در نماز جمععه)، مشارکت

مجموع ۹ سؤال از ۲۷ سؤال به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود.

۶- یافته‌های پژوهش

نتایج به دست‌آمده از پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه می‌شود. ابتدا یافته‌های توصیفی ذکر می‌شود.

نگاره شماره (۱) - میانگین و انحراف

استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان در هر یک از ابعاد شبکه اجتماعی و مشارکت سیاسی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
مشارکت ذهنی	۱۵.۹۷۰۱	۸.۶۲۰۸۱
مشارکت رسمی	۱۴.۷۹۶۴	۸.۳۲۵۸۵
مشارکت غیر رسمی	۱۲.۰۷۱۹	۷.۲۳۴۹۳
مشارکت عینی	۲۶.۸۶۸۳	۱۴.۲۱۵۸۷
شبکه‌های افقی	۱۶.۶۵۲۷	۱۰.۹۸۴۰۷
شبکه‌های عمودی	۱۴.۳۳۵۳	۱۰.۲۷۲۷۳
شبکه‌های افقی	۱۶.۶۵۲۷	۱۰.۹۸۴۰۷

نگاره شماره (۱)، میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان را در هر یک از ابعاد شبکه اجتماعی و مشارکت سیاسی نشان می‌دهد. میانگین مشارکت سیاسی رسمی و غیر رسمی به ترتیب ۱۴.۷۹ و ۱۲.۰۷ به دست آمده و میزان مشارکت سیاسی عینی ۲۶.۸۶ است. میانگین مشارکت سیاسی ذهنی ۱۵.۹۷ است که بر این اساس میزان مشارکت ذهنی- روان‌شناختی در میان دانشجویان کمتر از مشارکت سیاسی عینی است. در پرسشنامه شبکه‌های اجتماعی، میانگین بعد شبکه‌های

سازماندهی شده (شرکت در گردهمایی‌ها، جشنواره و جلسات، شرکت در جلسات اولیاء و مربیان)، مشارکت در تفریح دسته‌جمعی (رفتن به اماکن تفریحی، مهمانی‌های فامیلی هفتگی یا ماهانه)، مشارکت در سطح دانشگاه (شرکت در فعالیت‌های دانشگاه)، شبکه‌های عمودی شامل سنت‌های مدنی (شامل عضویت و مشارکت مستمر فرد در انجمن‌ها و هیئت‌های مذهبی)، عضویت در گروه‌های فرهنگی (گروه‌های هنری، بسیج، کانون)، الگوهای جدید مشارکت (سازمان‌های غیر دولتی، تشکل‌های سیاسی)، کیفیات شبکه که در بعد انسجام اجتماعی شامل (اهمیت دادن افراد به یکدیگر، قادر بودن افراد در یافتن دوستان واقعی در دانشگاه، عملکرد موفق دانشگاه در آماده کردن جوانان برای حیات اجتماعی، نقش سازنده مساجد در ایجاد زندگی بهتر، برابر بودن افراد در مقابل قانون و عدم اعمال تبعیض میان آنان) سنجش شده است. در مرحله مطالعه مقدماتی یافته‌ها نشان داد نیاز به حذف هیچ یک از گویه‌ها نیست. این مقیاس ابزاری برای سنجش شبکه‌های اجتماعی است که نمره‌گذاری هر سؤال بر روی یک پیوستار از صفر (کاملاً موافقم) تا ۴ (کاملاً مخالفم) می‌باشد و در هر بعد ۳ سؤال و در

افقی ۱۶.۶۵ و میانگین بعد شبکه‌های عمودی ۱۴.۳۳ است و بنابراین به نظر می‌رسد که میزان شبکه‌های اجتماعی افقی تا حدودی بالاتر از شبکه‌های اجتماعی عمودی می‌باشد.

نگاره شماره (۲) - همبستگی ابعاد شبکه

اجتماعی با ابعاد مشارکت سیاسی

متغیر	مشارکت ذهنی	مشارکت رسمی	مشارکت غیر رسمی	مشارکت عینی	مشارکت سیاسی
شبکه‌های افقی	۰.۶۸۶**	۰.۶۵۵**	۰.۴۳۵**	۰.۶۰۵**	۰.۶۸۰**
شبکه‌های عمودی	۰.۵۴۱**	۰.۴۶۹**	۰.۲۸۳**	۰.۴۱۸**	۰.۴۹۷**

Correlation is significant at: P<0/01**

نگاره شماره (۲) همبستگی ساده (پیرسون) هر یک از ابعاد شبکه اجتماعی را

شناختی و کمترین میزان مربوط به رابطه شبکه‌های عمودی با مشارکت سیاسی غیر رسمی است.

برای بررسی رابطه چندگانه شبکه اجتماعی با هر یک از ابعاد مشارکت سیاسی از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نگاره شماره (۳) نتایج مدل رگرسیونی را به ازای رابطه شبکه اجتماعی و ابعاد آن شامل شبکه‌های افقی و شبکه‌های عمودی با هر یک از ابعاد مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که نگاره شماره (۳) نشان می‌دهد، ابعاد شبکه اجتماعی پیش‌بینی‌کننده خوبی برای مؤلفه‌های رفتار انتخاباتی هستند. مقدار همبستگی چندگانه (R) شبکه‌های افقی و شبکه‌های

نگاره شماره (۳) - نتایج مدل رگرسیون به ازای رابطه شبکه اجتماعی با مشارکت سیاسی

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	R	R ²	R ² تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	F	sig
شبکه‌های اجتماعی افقی و عمودی	مشارکت ذهنی	۰.۸۰۲	۰.۶۴۳	۰.۶۳۷	۵.۱۹۷۱۳	۹۷.۹۱۶	۰.۰۰۰
	مشارکت رسمی	۰.۷۴۱	۰.۵۴۹	۰.۵۴۱	۵.۶۴۰۳۹	۶۶.۲۳۳	۰.۰۰۰
	مشارکت غیر رسمی	۰.۴۸۱	۰.۲۳۱	۰.۲۱۷	۶.۴۰۱۴۴	۱۶.۳۴۷	۰.۰۰۰
	مشارکت عینی	۰.۶۷۹	۰.۴۶۰	۰.۴۵۰	۱۰.۵۳۸۶۱	۴۶.۳۵۲	۰.۰۰۰

عمودی با مشارکت ذهنی-روان شناختی ۰/۸۰ است و ضریب تعیین ۶۴ درصد نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های مشارکت ذهنی-روان شناختی از روی ابعاد شبکه‌های

با مشارکت سیاسی نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تمام همبستگی‌ها در سطح (p<۰/۰۱) معنی‌دار است. بالاترین میزان همبستگی مربوط به رابطه شبکه‌های اجتماعی افقی با مشارکت ذهنی-روان

افقی و شبکه‌های عمودی است. مقدار همبستگی چندگانه (R) شبکه‌های افقی و شبکه‌های عمودی با مشارکت رسمی ۰/۷۴ است و ضریب تعیین ۵۴ درصد نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های مشارکت رسمی از روی ابعاد شبکه‌های افقی و شبکه‌های عمودی است. مقدار همبستگی

عینی ۰/۶۷ است و ضریب تعیین ۴۶ نشان می‌دهد ۴۶ درصد واریانس‌های مشارکت عینی از روی ابعاد شبکه‌های افقی و شبکه‌های عمودی قابل تبیین است. سطح معنی‌داری به دست آمده برای مقادیر F نشان می‌دهد تمام ضرایب در سطح $p < 0/001$ معنی‌دار است.

نگاره شماره (۴) - ضرایب رگرسیون غیر استاندارد (B) و استاندارد (b) به ازای رگرسیون هر بعد از شبکه های اجتماعی بر ابعاد مشارکت سیاسی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضرایب غیر استاندارد		t	sig
		B	خطای استاندارد		
مشارکت ذهنی	شبکه‌های افقی	۰.۴۲۶	۰.۰۴۵	۹.۵۲۰	۰.۰۰۰
	شبکه‌های عمودی	۰.۳۲۹	۰.۰۴۲	۷.۸۹۴	۰.۰۰۰
مشارکت رسمی	شبکه‌های افقی	۰.۴۱۰	۰.۰۴۹	۸.۴۳۹	۰.۰۰۰
	شبکه‌های عمودی	۰.۲۶۸	۰.۰۴۵	۵.۹۱۹	۰.۰۰۰
مشارکت غیر رسمی	شبکه‌های افقی	۰.۲۳۴	۰.۰۵۵	۴.۲۴۰	۰.۰۰۰
	شبکه‌های عمودی	۰.۱۳۰	۰.۰۵۱	۲.۵۲۵	۰.۰۱۳
مشارکت عینی	شبکه‌های افقی	۰.۶۴۴	۰.۰۹۱	۷.۰۹۲	۰.۰۰۰
	شبکه‌های عمودی	۰.۳۹۸	۰.۰۸۵	۴.۷۰۱	۰.۰۰۰

چندگانه (R) ابعاد شبکه‌های افقی و شبکه‌های عمودی با مشارکت سیاسی غیر رسمی ۰/۴۸ است و ضریب تعیین ۲۳ درصد نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های مشارکت غیر رسمی از روی ابعاد شبکه‌های افقی و شبکه‌های عمودی است. مقدار همبستگی چندگانه (R) ابعاد شبکه‌های افقی و شبکه‌های عمودی با مشارکت سیاسی

نگاره شماره (۴) ضرایب رگرسیون غیر استاندارد (B) و استاندارد (b) را به ازای رگرسیون هر یک ابعاد از ابعاد شبکه اجتماعی بر ابعاد مشارکت سیاسی نشان می‌دهد. همان‌گونه که ضرایب رگرسیون استاندارد نشان می‌دهند، در تمام ابعاد مشارکت سیاسی، هر دوی شبکه‌های افقی و عمودی وزن رگرسیون معنی‌داری دارند و

پیش‌بینی‌کننده مهمی می‌باشند و از وزن b بالاتری برخوردار هستند. البته در همه ابعاد مشارکت سیاسی، شبکه‌های افقی دارای ضریب استاندارد بالاتری نسبت به شبکه‌های عمودی است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تمام ضرایب رگرسیون مثبت است و نشان می‌دهد بین مؤلفه‌های شبکه‌های اجتماعی با ابعاد مشارکت سیاسی ارتباط مثبت وجود دارد.

فرجام

طرح و پیگیری مشارکت مردمی در امور حکومتی و تصمیم‌گیری‌های دولتمردان از سوی خود آنها و صاحب‌نظران مختلف با هدف دوام و بقای حکومت‌ها و افزایش مشروعیت نظام‌های سیاسی از یک سو و طرح اساسی‌ترین نیازها و منافع مردم در قالب شعارها و برنامه‌های کاندیداهای مختلف با هدف جلب آرای عمومی از سوی دیگر، بیانگر اهمیت این بحث نزد حکومت‌ها و مردم است. مردم از میان کاندیداها و برنامه‌های سیاسی کسانی را انتخاب می‌کنند که حامی منافعشان باشند و برنامه‌های جامع‌تر و مفیدتری را برای مردم ارائه دهند. حکومت‌ها نیز در جامعه معاصر با اتکا به آرای عمومی می‌توانند مشروعیت یابند و اهداف خویش را پیش ببرند.

امروزه در جوامع جدید این مشارکت در نهادهای سیاسی - اجتماعی همچون پارلمان، احزاب و غیره به صورتی منظم و قانونمند متبلور شده است. کارکردهای مشارکت سیاسی را به صورت فهرست‌وار می‌توان در عناوینی همچون جلوگیری از بی‌تفاوتی سیاسی، کاهش تعارض‌های خشونت‌آمیز، افزایش مقبولیت حکومت، بقای نظام دموکراتیک و اضمحلال نظام توتالیتری، ایجاد نشاط سیاسی و غیره خلاصه کرد.

پرسش اساسی این پژوهش آن بود که آیا رابطه‌ای میان شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان وجود دارد؟ نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین برخی از ابعاد شبکه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی در دانشجویان مورد بررسی ارتباط معنی‌داری وجود دارد؛ هرچند ارتباط معنی‌داری بین متغیر کیفیات شبکه‌های اجتماعی با تمام ابعاد مشارکت سیاسی مشاهده نشد؛ ولی در تمام ابعاد مشارکت سیاسی، بعد شبکه‌های افقی پیش‌بینی‌کننده مهم‌تری است و ارتباط بیشتری با مؤلفه‌های مشارکت سیاسی دارد. در مجموع رابطه ابعاد شبکه‌های اجتماعی افقی و عمودی با تمام ابعاد مشارکت سیاسی معنی‌دار است. بنابراین به نظر می‌رسد

رفتار افراد در جامعه در چارچوبه‌ای خاص و از قبل تعیین شده به منظور تولید سرمایه اجتماعی و منتج از آن مشارکت سیاسی است، زیرا هر اندازه از سرمایه اجتماعی و ابعاد آن مصرف شود، نه تنها از آن کاسته نخواهد شد، بلکه به میزان آن اضافه نیز می‌شود. به عبارت ساده‌تر، کاربرد مؤلفه‌های شبکه‌های اجتماعی منجر به بازتولید سرمایه اجتماعی می‌شود و رابطه مثبت بین این مؤلفه‌ها با ابعاد مختلف مشارکت سیاسی در نتیجه به افزایش مشارکت سیاسی افراد در جامعه منجر خواهد شد.

از دید مک لرگ (۲۰۰۳) پیوندهای بین‌افردی، دوستانه و خانوادگی درون شبکه‌های اجتماعی باعث تقویت تقاضاها برای مشارکت سیاسی در افراد می‌شوند. از طرف دیگر تنوع در شبکه، امکان دسترسی افراد را به منابع اطلاعاتی بیشتر را امکان‌پذیر می‌سازد و به ایجاد بحث‌های سیاسی برای تهییج برای افزایش مشارکت سیاسی می‌پردازد که منجر به ایجاد گروه‌های جدیدی درون شبکه‌های اجتماعی می‌شود که این گروه‌های جدید بیش از دیگران در فعالیت‌های سیاسی درگیر می‌شوند.

در کشورهایی مانند ایران که جامعه مدنی به شکل منسجم تشکیل نشده است،

شبکه‌های افقی و همین‌طور عمودی هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می‌کنند، همچنین این شبکه‌ها مشارکت مدنی ارتباطات را تسهیل می‌کنند و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد بهبود می‌بخشند. شبکه‌های اجتماعی تجسم موفقیت پیشینیان در همکاری هستند که می‌توانند به عنوان چارچوب فرهنگی شفاف برای همکاری آینده عمل نمایند. البته شبکه‌های اجتماعی مورد نظر کلن و پاتنام شامل شبکه‌های افقی می‌باشند نه عمودی، زیرا در شبکه‌های عمودی جریان عمودی اطلاعات غیر موثق‌تر از جریان افقی اطلاعات هستند و بخشی از آن به این دلیل است که اطلاعات قابل اتکا و درست مانع بهره‌کشی و استعمار محسوب می‌شوند. اما یافته‌های این پژوهش نشان داد که احتمالاً به دلیل اعتماد بیشتر مردم به انجمن‌های سیاسی و رسمی تأثیر شبکه‌های عمودی نیز با مشارکت سیاسی مثبت و معنی‌دار می‌باشد؛ هر چند که تأثیر شبکه‌های افقی تأثیر بیشتری بر روی همه ابعاد مشارکت سیاسی داشتند.

نتایج تحقیق با یافته‌های پوتنام (۲۰۰۰) و مک لرگ (۲۰۰۳) همسو می‌باشد. از دید پوتنام هنجارها و شبکه‌های اجتماعی حاکم بر جامعه انسانی، خود شکل‌دهنده

می‌توان امید داشت که با تقویت شبکه‌های اجتماعی درون‌نهادی، اصلاح زیرساخت‌ها، فرهنگ‌سازی و رفع مشکلات معیشتی، مشارکت مردمی و به دنبال آن سطح سرمایه اجتماعی در جامعه افزایش یابد که خود موجب افزایش کارآمدی، کاهش تصدی‌گری، تمرکززدایی، رفع تعارضات ساختاری و افزایش پاسخگویی خواهد شد. در واقع شبکه‌های اجتماعی از جمله عوامل تأثیرگذار در بازتولید فرهنگ اجتماعی و سیاسی و سازمانی است که با تشویق و تقویت نهادهای اجتماعی و صنفی و حرفه‌ای، به شکل‌گیری روابط مشارکتی بین افراد و نهادها و در نتیجه مشارکت در حوزه‌های مختلف از جمله سیاسی، کمک‌رسانی می‌کند. در واقع شبکه‌های اجتماعی از جمله عوامل تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی است که افراد در ارتباط با هم کسب می‌کنند و به نوعی در ذات، افراد را به سوی همکاری و تعاون و مشارکت فرا می‌خواند و می‌توان آن را از اصل بر پایه مشارکت بنا کرد. از طرف دیگر بهبود عملکرد شبکه اجتماعی در یک رابطه، باعث پدید آمدن حسن نیت و اعتماد متقابل می‌شود و همگرایی ذهنی و انسجام را تقویت می‌کند.

به طور کلی یافته‌ها نشان داد که ارتباط مستقیم و مثبتی بین سطح شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی وجود دارد. بر اساس یافته‌ها می‌توان انتظار داشت که احتمالاً در جوامعی که میزان مشارکت مدنی و عضویت در نهادهای مدنی در آن بیشتر است، میزان مشارکت سیاسی افراد بالاتر باشد. البته ناگفته پیداست که شبکه‌های اجتماعی صرفاً یکی از عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی است و تغییر آن در جامعه هم به صورت یکباره و در یک محدوده زمانی کوتاه اتفاق نمی‌افتد. با وجود این شبکه‌های اجتماعی پیش‌بینی‌کننده مهمی برای مشارکت سیاسی است، زیرا به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی یکی از پیش‌نیازهای فرهنگ مدنی و ایجاد نظام مردم‌سالاری پایدار محسوب می‌شود. به عبارت دیگر مشارکت اجتماعی بخشی از نشانگان فرهنگی پایداری است که به بقای مردم‌سالاری منجر می‌شود.

- African-American Political Participation”, *Political Research Quarterly*, Vol. 57, No. 4.
9. La Due Lake, Ronald, Robert, Huckfeldt (1998), “Social Capital, Social Networks and Political Participation”, *Political Psychology*, Vol. 19, No. 3
10. Lake, R. and R. Huckfeldt, 1998, “Social Networks, Social Capital and Political Participation”, *Political Psychology*.
11. Leighley, Jan, E., (1990), “Social Interaction and Contextual Influences on and Political Participation”, *American Political Research*, Vol. 18, No. 4.
12. Leighley, Jan E., (1996), “Group Membership and the Mobilization of Political Participation.” *Journal of Politics*, 58(2)
13. Lin, N., (2001), *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*, Cambridge: Cambridge University Press.
14. Lin, N., (2008), *A Network Theory of Social Capital*, in D. Castiglione, J. W. Van Deth & G. Wolleb (Eds.), *The Handbook of Social Capital*. London: Oxford University Press.
15. Macclurg, Scott, D., (2003), “Social Networks and Political Participation: The Role of Social Interaction in Explaining Political Participation”, *Political Research Quarterly*, Vol. 56, No. 4
16. Putnam, Robert, D., (2000), *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, NewYork, Simon & Schuster
- ### منابع فارسی
۱. باستانی، سوسن، اعظم آزاده و فاطمه سلطانی (پاییز ۱۳۸۸)، “شبکه‌های اجتماعی و رفتار رأی‌دهی جوانان در شهر مشهد”، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۳، دوره ۱۰
۲. باستانی، سوسن، افسانه کمالی و مریم صالحی (۱۳۸۷)، “سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی”، *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۶۱، سال ۱۶.
۳. موحد، مجید، حلیمه عنایت و آرش پورنعمت (۱۳۸۷)، “بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان”، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی، شماره اول
۴. نیری، هومن (۱۳۸۹)، *شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و مشارکت سیاسی*، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۵. وثوقی، منصور و عبدالرسول هاشمی، (۱۳۸۳)، «روستاییان و مشارکت سیاسی در ایران مطالعه موردی: روستاهای حومه شهرستان بوشهر (چاه کوتاه، آب‌ویل، تل اشکی)»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، شماره ۴۲-۴۱
- ### منابع لاتین
6. Coleman, J. S. (1990), *Foundations of Social Theory*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
7. De Toqueville, A., (1969), *Democracy in America*, NewYork
8. D. Makenzie, Brian, (2004), “Religious Social Networks Indirect Mobilization and

17. Putnam, R. D., (1993), *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton: Princeton University Press
18. Quintelier, Ellen, Diethylind Stolle and Allison Harell (2011), "Political in Peer Groups: Exploring the Causal Relationship between Networks Diversity and Political Participation", *Political Research Quarterly*
19. Skoric, Marko M., Deborah Ying, Ying Ng., (2009), "Bowling Online, Not Alone: Online Social Capital and Political Participation in Singapore", *Journal of Computer-Mediated Communication*, Vol. 14, No. 2
20. Verba, Sidney, Kay Lehman Scholzman and Henry E. Brady, (1995), *Voice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics*, Harvard University Press, Cambridge, Massachusetts
21. Verba. S., Scholzman, K. L., Brady, H., Nie, N. H., (1993), "Race, Ethnicity and Political Resources: Participation in the United States", *British Journal of Political Science*, Vol. 23

www.CSRI.ir

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مرکز تحقیقات استراتژیک